



گفت‌وگو با طراح و کارگردان مستندمسابقه «بومگرد»

به دنبال ترویج بومگردی مسئولانه هستیم

۱۲

۱۱۰ ورزش

کار سخت مجیدی برای کسب سهمیه در پنج هفته پایانی

«شهرخودرو» سر راه آسیایی شدن استقلال

قلعه‌نویی از چشم سپاهانی‌ها افتاد

«نصف جهان» از آسیا دورتر شد



نامجو مطلق در گفت و گو با قدس:

برای جام حذفی برنامه داریم

مجازآباد

شست‌وشوی ریه با مایع سفیدکننده!

اینکه بالاخره ترامپ دست از لجاجت برداشت و برای نخستین بار پس از شیوع کرونا با ماسک جلو چشم مردم ظاهر شد، دستمایه‌ای برای برخی کم‌دین‌های آمریکایی شده است. در ویدئویی که این روزها در فضای مجازی دست به دست می‌شود یک کم‌دین به نام ترور نوآ، در حالی که مثلاً از شوق گریه می‌کند، می‌گوید: «باید امروز رو روزی بدونیم که ترامپ واقعاً رئیس جمهور ما شد.رهبر جهان آزاد شروع کرده به ماسک زدن. همون کسی که ماسک نمی‌زد و می‌خواست ریه‌هاشو با مایع سفیدکننده‌بشوره».



مثل دم خروس

البته که کپانوش چهپنور، مدیرکل روابط عمومی وزارت بهداشت قرار نیست با یک هشتگ و سرسروصداهایش جوگیر شود. توپیت و واکنش متفاوت او به ترند شدن هشتگ «عدم تکنید» را بخوانید: «هرکس، هر جا با هر موضع سیاسی و با هر استدلالی در کنار تحریم مردم ایران قرار گرفت، تکلیفش روشن هست و هشتگ‌ها گویای عمق ردالت این جماعت بعضاً پارسی‌گوی نیست. پیش از این، بارها از جمله در تحریم دارو و تجهیزات پزشکی و تشخیصی، دم خروس، خیلی واضح بیرون زده بود، چون مشت‌ی نمونه خروار!»



۸ هفته لعنتی

آتش‌سوزی ناو آمریکایی که ظاهراً کنترل و تمام شد. خبر انفجار و آتش‌سوزی در کارخانه بزرگ فولاد هم که مال دو سه روز پیش است. با وجود این، کاربران توئیتر دست برنمی‌دارند و دائم در این باره توپیت می‌کنند. برخی از تازه‌ترین توییت‌ها در این‌مورد را بخوانید:



«بزرگ‌ترین کارخانه فولاد آمریکا در شرق تهران تریکید. ترامپ: می‌خوام بچم چیزهای مهیجی در هشت هفته آینده پیشرو داریم... بزرگ‌ترین کارخانه فولاد آمریکا منفجر شد. پیش به سوی هشت هفته لعنتی و مهیج و شگفت‌انگیز آینده... الان بی بی سی میاد می‌گه یکی از بهترین راه‌های از بین بردن کارخانه‌های فرسوده فولاد، سوزاندن آن‌هاست!»

خود را به نفهمیدن می‌زند

ماجرای تفاهم‌نامه ۲۵ ساله با چین که البته هنوز نه قطعی و نه اجرایی شده و احتمالاً باید برای سال آینده روی حساب کرد، کم‌کان در فضای مجازی موافقان و مخالفان و شایعه‌سازان خودش را دارد. محمد ایمانی، تحلیلگر مسائل سیاسی هم دراین‌باره نوشته است: «شورای آتلانتیک: تفاهم‌نامه همکاری با چین، توافق برد-برد و نشانه ناامیدی ایران از برجام است که فشارهای تحریمی آمریکا را بی اثر می‌کند... چرا اندیشکده آمریکایی، این واقعیت روشن را متوجه می‌شود اما این طرف، کسانی خود را به نفهمیدن می‌زنند؟»



یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۹
۲۷ دی‌المنده ۱۴۴۰
۹ جولای ۲۰۲۰
ZENDegi@QUDSONLINE.IR

فروش یک میلیونی کتاب افشاگرانه برادرزاده ترامپ علیه او در نخستین روز انتشار

تقدیم به خطرناک‌ترین مرد دنیا!

اعتیاد به الکل

با وجود تمام تلاش‌های دولت برای جلوگیری از انتشار این کتاب، آن‌هم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، این کتاب حدود دو روز پیش به طور گسترده چاپ و در سراسر دنیا توزیع شد. در مورد نویسنده این کتاب هم فقط همین‌قدر اطلاعات داریم که مری ترامپ ۵۵ ساله فرزند فرد ترامپ جونیور، برادر بزرگ دونالد ترامپ است که در ۱۹۸۱ و در سن ۴۲ سالگی درگذشت. فرد، از اعتیاد به الکل رنج می‌برد و دست آخر هم به علت حمله قلبی ناشی از مصرف بیش از اندازه مشروبات الکلی، خیلی زود از دنیا رفت. اگر خاطرتان باشد ترامپ مدت‌ها پیش در یکی از سخنرانی‌هایش اعلام کرده بود مشکلات شخصی برادرش محرک تلاش‌های او در دولت برای مقابله با بلای انتشار کتاب به جا گذاشت و تبدیل به پرفروش‌ترین کتاب سایت «آمازون» شد.

بالا کشیدن ثروت برادر بزرگ

«بسیار زیاد و ناگهانی؛ چگونه خانواده من خطرناک‌ترین مرد دنیا را پدید آورد؟» این عنوان کتاب مری ترامپ است که در حال حاضر تبدیل به داغ‌ترین سوزه فضای مجازی شده است. مری ترامپ که در حال حاضر یک روان‌شناس است در این کتاب حسایی به عموش حمله کرده است. او در بخش اول کتاب توضیح می‌دهد دونالد ترامپ به همراه خواهرش بیش از مرگ برادر بزرگ‌تر، او را فریب داده و اموالش را صاحب شده‌اند! آن طور که مری ترامپ در کتاب خود نوشته، ترامپ و خواهرش اجازه ندادند سهیم چندانی از اموال پدر به فرزندانش برسد. او همچنین در بخش دیگری از کتابش گفته دونالد ترامپ به فردی پول داده تا به جای او در آزمون اس‌ای‌تی شرکت کند. آزمون که یکی از پیش‌نیازهای ورود افراد به دانشگاه در ایالات متحده به شمار می‌رود. مری ترامپ به همین جا بسنده نکرده و روی یکی از حساس‌ترین موضوعات این روزهای جامعه آمریکا یعنی «بحران نژادپرستی» هم دست گذاشته است. او در بخشی از کتاب توضیح می‌دهد دونالد ترامپ یک نژادپرست است و همیشه در جمع‌های خصوصی از الفاظ نژادپرستانه استفاده می‌کند!

هیولای ترساک بیدار می‌شود!

خانم مری ترامپ همچنین در بخشی از کتابش هم درباره ویژگی‌های شخصیتی رئیس‌جمهور آمریکا نوشته است: «ترامپ در نوجوانی و جوانی تحت تأثیر فرد ترامپ سینیور، پدرش قرار داشت. پدر بزرگم با پدرم که پسر ارشد او بود، رفتاری سبکگیرانه داشت و قصد داشت پس از او اداره شرکت خانوادگی فعال در زمینه ساختمان‌سازی و املاک را بر عهده بگیرد؛ اما به این دلیل که پدرم در اداره شرکت ناتوان نشان داد، پدر بزرگم چاره‌ای نداشت مگر اینکه شرکت را به پسر دوشم، دونالد بسپارد و این بدترین اتفاق ممکن بود؛ چراکه در اواخر دهه ۸۰ وضعیت کسب‌وکار ما به وخامت گرایید و فرد ترامپ مجبور شد در کارهای شرکت دخالت کند، اما دیگر دیر شده بود و هیولای ترساک دونالد ترامپ دیگر بیدار و آزاد شده بود». برادرزاده ترامپ درباره مشکلات روانی رئیس‌جمهور آمریکا هم در کتابش نوشته: پدر بزرگ «سلطه‌گر» و پدرش «فرد» را تحقیر و مسخره می‌کرده در حالی که عموش دونالد که هفت سال کوچک‌تر بوده و آن تحقیرها را می‌دید، دروغ می‌گفته تا مورد ستایش قرار بگیرد. مری ترامپ فضای خانواده او را پر از «هوسرانی، خیانت و دعوای برادر و خواهری» توصیف کرده و نتیجه گرفته

محمد تربت‌زاده! ماجرا تقریباً از دو ماه پیش شروع شد که رسانه‌ها اعلام کردند برادرزاده رئیس‌جمهور آمریکا قصد دارد کتابی با عنوان «خاطرات مری ترامپ» به چاپ برساند. کتابی که طبق گفته «مری ترامپ» قرار بود ابعاد جدیدی از زندگی رئیس‌جمهور آمریکا، فسادهای مالی او و... را افشا کند.

این کتاب از همان زمان تبدیل به یکی از سوزه‌های داغ فضای مجازی و همچنین فضای رسانه‌ای آمریکا شد و بسیاری از فعالان سیاسی از این اقدام برادرزاده ترامپ حمایت کردند. از آن‌طرف بسیاری از طرفداران رئیس‌جمهور آمریکا هم، برادرزاده او را به سوءاستفاده از موفقیت عموش متهم کردند. با وجود تمام حواشی اما این کتاب دو روز پیش به چاپ رسید و در عرض یک روز، با فروش بیش از یک میلیون نسخه، رکورد جدیدی در بازار نشر آمریکا به جا گذاشت و تبدیل به پرفروش‌ترین کتاب سایت «آمازون» شد.

تلاش کاخ سفید

برای جلوگیری از انتشار کتاب

همان دو ماه پیش که زمزمه‌هایی از انتشار کتاب جدید علیه رئیس‌جمهور آمریکا، آن‌هم توسط برادرزاده‌اش به گوش می‌رسید، شاخک‌های کاخ سفید تیز شد و تصمیم گرفت علیه برادرزاده ترامپ در یکی از دادگاه‌های آمریکا شکایت کند تا جلو انتشار کتاب او را بگیرد. آن زمان یکی دیگر از برادرهای ترامپ به نام «اِبرت» مسئول رسیدگی به پرونده شکایت از برادرزاده‌اش شد. روزنامه نیویورک تایمز هم در یک مصاحبه با آقای اِبرت پیش‌هم پرسیده بود کاخ سفید با چه رویکردی قصد شکایت از مری ترامپ را دارد که با این پاسخ روبرو شده بود: «کتاب مذکور یک توافق‌نامه عدم افشای اطلاعات که مری ترامپ سال‌ها پیش در جریان تقسیم ارث با آن‌ها امضا کرده است را نقض می‌کند». رابرت ترامپ همچنین درباره حواشی این کتاب گفته بود: «تلاش مری برای مبالغه و تحریف در روابط خانوادگی ما پس از این همه سال و برای منافع مالی خودش، اهانت و بی‌عدالتی به یاد و خاطره برادرم، فرد و والدین عزیزمان است».

مردی که سلامت دنیا را تهدید می‌کند

«سایمون و شوستر» نام انتشاراتی است که به برادرزاده ترامپ قول چاپ کتبش را داده بود. انتشاراتی که چندی پیش هم کتاب جنجالی جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی آقای ترامپ را بر خلاف تلاش دولت وی برای ممانعت از انتشار آن با حکم دادگاه، به چاپ رساند. در آن پرونده، ناشر با استناد به متمم یک قانون اساسی که آزادی بیان را تضمین می‌کند از حق انتشار دفاع کرده بود. آمازون هم بنابر قولی که سایمون و شوستر داده بود، از همان زمان شروع به پیش‌فروش کتاب کرد. در توضیحات این کتاب در وب‌سایت آمازون عنوان شده نویسنده توضیح خواهد داد که عموش چگونه «به مردی تبدیل شد که حالا سلامت، امنیت اقتصادی و بافت اجتماعی دنیا را تهدید می‌کند». در ادامه این توضیحات می‌خوانیم: «نویسنده در این کتاب توضیح می‌دهد که چگونه وقایع خاص و ساختار کلی خانواده، مرد آسیب‌دیده‌ای را که امروز در کاخ سفید نشسته است خلق کردند؛ از جمله رابطه عجیب و مضری که میان فرد ترامپ و دو پسر بزرگش فرد جونیور و دونالد وجود داشت».

زیرپوست شهر

زندگی دکان آبیگری ست!



رقیه توسلی: امدایم شهرگردی، دست به تفاوت زدیم این‌بار و داریم لابه‌لای کوچه‌ها می‌چرخیم. خواستیم وسط سنگ و سیمان و در و پیکر و ستون‌ها بلیکیم و دوروبرمان را بهتر سیاحت کنیم. احساس کردیم کجا بهتر از خیابان‌های شهر خودمان! جایی که کرونا بیش از پیش در کمین یک سرود کوش‌های ناتوانی چون ماست. از «ترک محله» ساری تا «کوی پزشکان» که چند کیلومتر ناقابل است را پشت شیشه‌های اتوبیل گز می‌کنیم. شاید واقعاً بد نباشد گاهی راهمان را کج کنیم جالهایی که نکته‌های گفتنی کم ندارند و دیدنی‌تر از اماکن گردشگری‌اند. خاص‌تر و کورت‌تر اما نه در معنای مصطلح‌اش. چهارچشمی بگویی و کوچه‌ها را می‌پاییم و ایضاً قصه‌هایی که در دلشان پنهان شده... هم آنجا را که یال و کوبالی ندارد و از درودبارش محرومیت می‌یارد... هم اعیان محله‌ای که دل آدمیزاد به زیبایی‌هایش می‌آویزد. کوچه‌های مجلل و فاخری که «خانه» کلمه، رایجی نیست آنجا که می‌شناسیم؛ برج و بارو و قلعه و قصر برایشان واژه‌های برانده‌تری است. انگار بی حرف، قل می‌خوریم میان کاج‌ها و صنوبرها و بیدمجنون‌ها، میان رنگ و معماری و مصالح چشم‌نواز، میان درختان قدکوتاه پرتقال و دکه‌های متعدد پلیس و گل‌هایی که شُرّه کرده‌اند روی دروازه‌ها.

دست خودمان نیست... حالمان، حال دیگری می‌شود. نمی‌توانیم تشخیص بدیم خوب یا بد. اما می‌دانیم به حال روستاگردی، سرخوش و شادمانه نیستیم. متناقضیم. بیننده متفکری شده‌ایم که سؤال‌های زیادی دوراش کرده‌اند.

به دکتران و زرگران و بازرگانان و مهندسان و وکلایی که در این خانه‌ها بیتوته کرده‌اند فکر نمی‌کنیم؛ به فاصله عمیق طبقاتی؛ به آسمانی که انگار در این منطقه آبی‌تر و تابستانه‌تر است. ذهنمان مشغول اتفاقی است که در پایین دست شهر دیده‌ایم. آنجا که آدم‌ها دوست دارند کرونا را رعایت کنند اما نمی‌شود. نمی‌شود که نروند پای کفایش و کارگری و دستفروشی و جمع‌آوری ضایعات. شهرگردی می‌کنیم، در منطقه متمول ساری می‌رانیم و حالمان حال آن ثروتمند و فقیری می‌شود که رشت و زیبایی زندگی را دیده‌اند. حال آدمیزادی را داریم که تا دلالتا بخواهد طراوت و قشنگی دوراهش کرده‌اند اما لبخندش گم شده. شدیداً شبیه آن بازیکن فوتبالی شده‌ایم که از زدن گل به تیم قبلی‌اش نه غمگین است، نه مسرور. بیشتر که می‌گردیم، بنرها هم قد علم می‌کنند برای خودشان و نمی‌توانیم درگیرشان باشیم. بنر درگذشتگان را در هر دو نقطه شهر زداند. آخر، مرگ، پایین دست و بالادست ندارد اما بیشتر و کمتر چرا... نمی‌توانیم درگیر رفاه مالی نباشیم که این روزها شدیداً موردنیاز همگان است... درگیر اسکناس‌های محقری که ته جیب پدر خانواده‌ای پیدا نمی‌شود تا غذاهای ضدکرونا را برای اهل منزل بخرد!

پایان شهرگردی، عنوان مغازه‌ای دست از سرم برنمی‌دارد و افتادام روی دور باطل... سوزنم عجیب گیر کرده روی این کلمات؛ دکان آب‌گیری نارنج و غوره!

فخر ننگر

سینما و سینما

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۹

۱۲ ۲۷ ذی‌القدسه ۱۴۴۱ ۱۹ جولای ۲۰۲۰ سال سی و سومشماره ۹۲۹۷



نگاهی به فیلم «شنای پروانه»

شنا در رئالیسم سیاه

«محمد کارت» با سینمای مستند و سپس فیلم‌های کوتاه کار خود را آغاز کرد. ویژگی بارز این سینسما، جزئی‌نگری، تدقیق و نگاه موشکافانه است. شاید اگر کارت روی به ژورنالیسم می‌آورد، مبدل به یک روزنامه‌نگار تحقیقی و میدانی می‌شد و البته همین رویکرد را در سینمایش حفظ کرده و فیلم‌هایش از چارچوب چار دیواری‌ها خارج و در فضای اجتماعی رخ می‌دهند و خود را به فضای رئالیسم و بعضاً رئالیسم سیاه نزدیک می‌کنند. توضیح اینکه رئالیسم سیاه یک انگ منفی نیست و تعریف و چارچوب‌های خاص خود را دارد که در این مقال نمی‌گنجد.

«شنای پروانه» نخستین تجربه فیلم بلند کارت است که طیفی از مخالفان و موافقان را برای خود گردهم آورده است. جنس «شنای پروانه» نزدیک به دائقه فلسفی اخیر سینمای ایران (و نه لزوماً دائقه مخاطب) است؛ فیلم‌هایی همچون مغزهای کوچک زنگزده، ابد و یک روز و یا متری شیش و نیم، در این ژانر پیش از این ساخته شده و رمان‌هایی همچون «سالتو» مهدی افروزش نیز به این فضا پرداخته‌اند. اما کارت پیش از این در مستندها و فیلم‌های کوتاهش نشان داده با این فضا آشناست و متأثر از جریان ژانری سال‌های اخیر سینمای ایران نیست. کارت در «شنای پروانه» همین ریتم را دنبال می‌کند.

دال‌های شناور اصلی در «شنای پروانه» آشناست؛ جنوب شهر، ناموس، قتل، رابطه پدرسالارانه، تعصب، فقر، اعتیاد، کلونی آسیب‌های اجتماعی و ... مفاهیمی هستند که دائماً در شنای پروانه با آن سروکار داریم و مداوم این مفاهیم همچون یک زنجیره به یکدیگر ارجاع می‌دهند و هر کدام بسوی آن دیگری را می‌دهند و البته دال محوری در این گفتمان «قتل ناموسی» است. کارت هوشمندانه تمام عناصر را قطار کرده و در خدمت مسئله قتل ناموسی قرار داده و اینجاست که «بی‌رنگ» اصلی داستان خود را انتخاب می‌کند. کاراکتر در یک تله ناموسی قرار می‌گیرد و مرتکب قتل می‌شود...

تمرکز بسر مفاهیمی همچون گنده‌لات و خردده‌لات و ارتباط مرید و مراد میان این دو به‌ویژه در حاشیه شهرها و همچنین تکیه بر ضرورت وجودی عنصر قهرمان از دیگر شاخصه‌های «شنای پروانه» است. شاید یکی از ایرادهایی که در نگاه نخست می‌توان بر شنای پروانه وارد کرد، همان نقدی است که ۵۰ سال قبل بر فیلم‌هایی همچون قیصر نیز وارد آمد و آن اینکه چرا قهرمان تن به روال قانون نمی‌دهد و یک نته تلاش می‌کند مسائل را پیش ببرد؟ شاید پاسخ سازندگان و یا منتقدان موافق این باشد که در یک سیکل معیوب نمی‌توان به قانون تن داد و قهرمان چارهای جز این ندارد!

جدا از جنبه محتوایی اما از نظر بصری و فرم، کارت موفق شده با تقطیع‌های مناسب و البته ریتم دلپه‌راور، مخاطب را تا انتها با خود همراه کند و از این نظر ژانر خود را جلوتر و متفاوت‌تر از مغزهای کوچک زنگ زده و یا ابد و یک روز، معرفی می‌کند.

جواد عزتی و پاتانه بهرام و همچنین امیر آقایی بازی باورپذیری دارند و تقریباً از سطح تپید فراتر رفته و تبدیل به شخصیت شده‌اند و مخاطب می‌تواند با آن‌ها همدأت‌پنداری کند؛ هر چند که در این میان فیلم عمدتاً بر کاراکتر حجت (جواد عزتی) متمرکز است و کارگردان تلاش می‌کند مخاطب را از طریق حجت در جریان ماجرا قرار دهد. در واقع وی حلقه کشف بسیاری از مسائل جاری در بدن فیلم‌نامه قرار گرفته است. درام «شنای پروانه» از نوع و جنس قطره‌چکالی است و قرار نیست مخاطب بیکاره در جریان تمام ماجرا قرار گیرد و به صورت تدریجی وارد ماجرا می‌شود و حلقه مفقوده در عمده رخدادهای نیز، شخصیت حجت است.

کارت توانسته خود را به تمامی سوره‌هایش نزدیک کند و از یکی از آفات چنین فیلم‌هایی که نگاه از دور و بالا به کاراکترهاست، فاصله بگیرد. سبک رئالیسم کارت که برگرفته از مستندها و فیلم‌های کوتاه‌اش است، به وی اجازه نمی‌دهد از رویکرد آینده‌ای نسبت به جامعه روی برگرداند و مداوم بر این طبل می‌کوبد؛ شنای پروانه هم بسا این نگاه و البته با استدلال کارگردانش گره‌نبرداری از شرایطی عینی است، اما ایرادی که در این قبیل فیلم‌ها همچنان برجسته است، این است که چرا دائماً دال‌های یکسانی در حاشیه شهرها مورد انتخاب قرار می‌گیرند و از سایر ویژگی‌های سطح تپید فراتر رفته و تبدیل به شخصیت شده‌اند و مخاطب می‌تواند با آن‌ها همدأت‌پنداری کند؛ هر چند که در این میان تلاش می‌کند مخاطب را از طریق حجت در جریان ماجرا قرار دهد. در واقع وی حلقه کشف بسیاری از مسائل جاری در بدن فیلم‌نامه قرار گرفته است. درام «شنای پروانه» از نوع و جنس قطره‌چکالی است و قرار نیست مخاطب بیکاره در جریان تمام ماجرا قرار گیرد و به صورت تدریجی وارد ماجرا می‌شود و حلقه مفقوده در عمده رخدادهای نیز، شخصیت حجت است.

کارت توانسته خود را به تمامی سوره‌هایش نزدیک کند و از یکی از آفات چنین فیلم‌هایی که نگاه از دور و بالا به کاراکترهاست، فاصله بگیرد.

سبک رئالیسم کارت که برگرفته از مستندها و فیلم‌های کوتاه‌اش است، به وی اجازه نمی‌دهد از رویکرد آینده‌ای نسبت به جامعه روی برگرداند و مداوم بر این طبل می‌کوبد؛ شنای پروانه هم بسا این نگاه و البته با استدلال کارگردانش گره‌نبرداری از شرایطی عینی است، اما ایرادی که در این قبیل فیلم‌ها همچنان برجسته است، این است که چرا دائماً دال‌های یکسانی در حاشیه شهرها مورد انتخاب قرار می‌گیرند و از سایر ویژگی‌های سطح تپید فراتر رفته و تبدیل به شخصیت شده‌اند و مخاطب می‌تواند با آن‌ها همدأت‌پنداری کند؛ هر چند که در این میان تلاش می‌کند مخاطب را از طریق حجت در جریان ماجرا قرار دهد. در واقع وی حلقه کشف بسیاری از مسائل جاری در بدن فیلم‌نامه قرار گرفته است. درام «شنای پروانه» از نوع و جنس قطره‌چکالی است و قرار نیست مخاطب بیکاره در جریان تمام ماجرا قرار گیرد و به صورت تدریجی وارد ماجرا می‌شود و حلقه مفقوده در عمده رخدادهای نیز، شخصیت حجت است.

خبر

بازیگران جدید سریال جاسوسی امنیتی «خانه امن» معرفی شدند

تسنیم: سپیده خادوردی و سوگل طهماسبی به تیم بازیگران مجموعه تلویزیونی جاسوسی- امنیتی «خانه امن» پیوستند.

تا به امروز بیش از ۵۰ بازیگر اصلی جلو‌دوربین احمد معظمی رفته‌اند

و به تازگی سپیده خادوردی و سوگل طهماسبی نیز به بازیگران «خانه امن» اضافه شدند. لوکیشن این روزهای مجموعه «خانه امن»در تهران است و این گروه سکانس‌های مربوط به اتاق عملیات را تصویربرداری می‌کند.
بیش از ۸۰ درصد«خانه امن» جلو‌دوربین احمد معظمی رفته و این به حالی است که تدوین موازی آن هم توسط پریسا ناهیدپور در حال تصویربرداری است.

به تازگی سپیده خادوردی و سوگل طهماسبی به این مجموعه پیوسته‌اند. پیش از این حمیدرضا پگاه، امین زندگانی، سیماتیرانداز، سامان صفاری، شهرزاد افشاری، علیرضا زینسی، قربان نجفی، حمیدرضا عطایی، کوله آفاق و پرویز جمالی‌پور به عنوان بازیگران «خانه امن» معرفی شدند و به‌زودی از دیگر بازیگران اصلی این سریال نیز رونمایی خواهد شد.

گفت‌وگو با طراح و کارگردان مستندمسابقه «بومگرد»

به دنبال ترویج بومگردی مسئولانه هستیم

اسیما و سینما/ جواد شیخ‌الاسلامی به تازگی

مستندمسابقه «بومگرد» با طراحی و کارگردانی توج کلاتری و امیر منیری از شبکه مستند سیما در حال پخش است. بومگرد بر پایه سه سرفصل مهم «گردشگری»، با محور بومگردی و در نظر گرفتن اقتضات فرهنگی هر منطقه، «اشتغال و کسب و کار روستایی» با در نظر گرفتن ظرفیت‌های مغفول و در نهایت «ارزش‌بخشی به سنت‌ها و آداب و رسوم» هر منطقه و هویت‌بخشی به هر بوم و قومیت، تولید شده است. در هر فصل از مستندمسابقه «بومگرد» سه خانواده در قالب رقابتی جذاب براساس آیت‌هایی که متناسب با زیست بوم آن منطقه انتخاب شده‌اند، با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. سوزه بدیع و بکر، طراحی و کارگردانی خوب، گرافیک حرفه‌ای، موسیقی و تیتراژ رنگارنگ و شاد و تریش طنز و دوست‌داشتنی این مسابقه در کنار توجه به مسائل محیط زیستی و فرهنگ‌سازی در رابطه با زندگی روستایی، بومگرد را به یک برنامه آموزنده، مفرح و خانوادگی تبدیل کرده‌است.

به بهانه پخش مستندمسابقه «بومگرد» با توج کلاتری، طراح و کارگردان آن به گفت‌وگو نشستیم که‌می‌خوانید.

♦ آقای کلاتری، برای من که از شما شناخت قبلی و قدیمی داشتیم تولید این برنامه از سمت شما در مقام کارگردان، به خصوص با توجه به اینکه پیش از این تجربه کارگردانی مستندمسابقه را نداشتید، قدری غیرمنتظره و البته خوشحال‌کننده بود. جرقه این کار کجا در ذهن شما ایجاد شد؟

بالاخره هر کس در ذهن خودش دغدغه‌هایی دارد و من هم این بارش را در پازل دغدغه‌هایی که دارم طراحی و کارگردانی کرده‌ام، چرا که مسئله محیط زیست و فرهنگ روستایی از قدیم برای من دغدغه بوده است. من وقتی می‌بینم جنگل‌ها و رودخانه‌ها در حال نابودی هستند و تمام محیط زیست ما با آشغال اشغال شده است، اذیت می‌شوم. وقتی این مسائل اذیت‌کننده را می‌بینیم، اینتدا به این ایده می‌رسم که مستندی بسازم و این مشکلات را بیان کنم، اما بعد می‌بینم همه این حرف‌ها گفته شده و مستندهای زیادی درباره مضلات محیط زیست ساخته شده است. ضمن اینکه بعضی وقت‌ها هر چقدر درباره این مسائل حرف بزنید و برنامه بسازید، نتیجه‌ای ندار، چون کسانی که به محیط زیست آسیب می‌زنند، قدرت دارند و ما نمی‌توانیم مقابل آن‌ها کاری از پیش ببریم.

در کشاکش بین همین دغدغه‌های محیط زیستی با خود گفتم چکار می‌توانم بکنم؟ دیدم مسائلی که می‌تواند به محیط زیست و ترویج فرهنگ روستایی کمک کند، مسئله بومگردی مسئولانه است. توجه‌به روستا و بومگردی برای من موضوع مهمی است. البته بومگردی را به شکلی که جدیدا رواج پیدا کرده قبول ندارم. منظورم کسانی هستند که بومگردی را صرفاً

در این می‌بینند که در یک روستای شیک بومگردی ایجاد کنند و دو سشنبه به زورت برسند نگاه من در مستندمسابقه «بومگرد» ترویج و تبلیغ یک‌بومگردی مسئولانه است. یعنی این سبک زندگی که مبتنی بر خودبستگی در تولید و اعتدال و خرد در مصرف باشد. آن نوع از بومگردی که نسبت به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های تولید و مصرف ایده داشته باشد و به خوبی از آن‌ها استفاده کند و واقع هر روستایی در کنار ظرفیت‌های درآمدزایی و تفریحی که دارد، برخی محدودیت‌ها را هم دارد، مثل اینکه من نباید

گزارش

ساخت فیلم‌ها و سریال‌ها در شرایط بحرانی کرونا ادامه دارد

ماسک، صدا، دوربین... حرکت

اسیما و سینما/ زهره کهندل از شرایطی که وضعیت شیوع کرونا در برخی شهرهای بزرگ کشوربان به ویژه پایتخت، قرمز است، اما گروه‌های تولید فیلم و سریال همچنان به کار خود ادامه می‌دهند. از فیلم‌برداری فیلم سینمایی «گشت ارشاد ۳» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سعید سهیلی که همچنان در تهران ادامه دارد بگیرد تا شرایط سخت تصویربرداری در سریال تلویزیونی «جلا» و «صفر بیست و یک» در لوکیشن‌های پایتخت.

اما وجود ادامه فعالیت بسیاری از اصناف با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در شرایط فعلی، پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی که شنیده‌هایی مبنی بر توقف آن‌ها وجود داشت و اسفند ماه سال گذشته هم گروه‌هایی که در مرحله پیش‌تولید یا فیلم‌برداری قرار داشتند، پروژه‌هایشان را به صورت موقت تعطیل کردند، از ابتدای امسال کارشان را ادامه می‌دهند و با وجود فراگیری موج دوم کرونا، از خاکریز تولید عقب‌نشینی نکرده‌اند. مهدی فرجی، تهیه‌کننده سریال تلویزیونی «صفر بیست و یک» که این روزها در خیابان‌های تهران فیلم‌برداری می‌شود، با اشاره به شرایط سخت فیلم‌برداری در روزهای کرونایی و پیشرفت ۲۰درصدی این سریال، می‌گوید: به دنبال افزایش دوباره وپروس کرونا ما نیز بر اجرای پروتکل‌های بهداشتی تأکید کردیم و الزام کردیم به جز زمان تصویربرداری و وقتی که بازیگران جلو دوربین هستند، باید در همه شرایط همه عوامل از ماسک و مواد ضدعفونی‌کننده استفاده کنند

هم‌زمان با ادامه تصویربرداری و از سرگیری پروژه‌های دیگر در تلویزیون، سریال «جلا» هم به تازگی جلو‌دوربین رفته تا خودش را برای پخش در اربعین امسال آماده کند. سریالی با محوریت فرهنگ عاشورا و در قالب ملودرام اجتماعی دینی، ارزشی و عاشقانه‌ای در ژانر امام‌حسین(ع) که سعید سعدی تهیه‌کننده آن است و اظهار امیدواری کرده کار در زمان خودش به سرانجام می‌رسد و در ایام اربعین از شبکه سسپما پخش خواهد شد.

♦ نمی‌توان آتنن تلویزیون را خالی گذاشت

سعدی با بیان اینکه یکی ماه از تصویربرداری سریال «جلا» می‌گذرد، به خبرنگار ما می‌گوید: به هر حال باید کارها را در همین شرایط سخت پیش برد. ما تمام موارد بهداشتی را رعایت کردیم تا مشکلی پیش نیاید، ولی کار را باید انجام داد، اگرچه شرایط بسیار دشوار است.

وی با بیان اینکه تمام سعی ما بر این است که این سریال به پخش در ایام اربعین برسد، از ادامه فیلم‌برداری این مجموعه تلویزیونی خبر می‌دهد و با اشاره به ابلاغ پروتکل‌های بهداشتی از سوی صداوسپما، خاطرنشان می‌کند: رعایت فاصله فیزیکی در حد امکان، استفاده از ماسک، ضدعفونی کردن محیط کار با الکل و سنجش دمای بدن افراد، از مواردی است که در این ابلاغیه آمده و ما رعایت می‌کنیم.

این تهیه‌کننده سینما و تلویزیون می‌گوید: باید با وضعیت پیش آمده کنار بیاییم و



برش

نگاه من در مستندمسابقه «بومگرد» ترویج و تبلیغ یک بومگردی مسئولانه بود. یعنی آن سبک زندگی که مبتنی بر خودبستگی در تولید و اعتدال و خرد در مصرف باشد. آن نوع از بومگردی که نسبت به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های تولید و مصرف ایده داشته باشد و به خوبی از آن‌ها استفاده‌کند

روستا و یک خانواده روستایی را به شهر بیاوریم، اما آخر سر به این نتیجه رسیدیم که سه خانواده که تجربه زندگی در روستا را ندارند ولی دوست دارند این کار را تجربه کنند، به روستا ببریم. این پنجمین ایده ما بود که پخته و نهایی شد.

♦ در فصل نخست چه نکاتی را درباره روستاهای انتخاب شده مورد توجه قرار دادید؟ آیت‌های مسابقه براساس ویژگی‌های اقلیمی تهیه شده بودند؟

ما در فصل نخست سه روستا از گیلان را بنا بر ظرفیت‌ها و ویژگی‌هایی که در نظر داشتیم، انتخاب کردیم. در گیلان دو موضوع بسیار مطرح و حتی ثبت جهانی است؛ یعنی غذا و چادرشب. ما این دو ویژگی گیلان را جزو آیت‌های مسابقه قرار دادیم و در کنار این‌ها که آیت‌های شناخته شده‌ای بودند، برخی آیت‌های جانبی دیگر که اکت خوب و جالبی هم داشته باشند را اضافه کردیم. مثل نمیدانی، گاوداری، زنبورداری و غیره. این آیت‌ها هم به جذابیت مسابقه اضافه می‌کردند و هم با بوم آن منطقه سازگار بود و مردم از آن‌ها استفاده می‌کردند. در کنار این آیت‌ها، برخی آیت‌ها هم درست کردن چای دست‌ساز بود که حتی توسط خود مردم منطقه هم مورد غفلت قرار گرفته بودند. این آیت اگرچه متعلق به این منطقه است، اما سال‌ها از آن غفلت شده بود. به طوری که ابزار مورد استفاده ما برای این آیت متعلق به ۱۲۰ سال پیش بود. در این آیت ما از شرکت‌کننده‌ها خواستیم با این دستگاه چای دست‌ساز درست کنند و به این طریق قصد زنده کردن آداب و سنن آن منطقه را داشتیم.



در مجموع ما به سه مسئله در این مسابقه توجه داشتیم؛ نخست توجه به آدابی مثل چای‌سازی که فراموش شده بودند، دوم، توجه به آدابی مثل طبخ غذاهای مختلف و چادرشب که مختص این مناطق بودند و ما قصد تأکید بر آن‌ها را داشتیم و سوم توجه به سبک زندگی که مختص همه مناطق روستایی را نمی‌کردیم. در واقع خودم‌ان را ملزم به مطرح کردن همه مسائل محیط زیستی نمی‌دانستیم، بعضی نکات مثل استفاده نکردن از پلاستیک در خلال مسابقه ناخودآگاه مطرح می‌شود، ولی اینکه همه مسائل محیط زیستی را مطرح کنیم، رسالت «بومگرد» فرهنگ‌سازی ایجابی است، نه سلبی. طوری که وقتی مخاطب برنامه را می‌بیند بگوید چقدر خوب که فلان گروه در این قسمت پلاستیک نگرفتند. ما بیشتر با ناخودآگاه مخاطب کار داشتیم.

♦ روستاها و شرکت‌کنندگان از نظر شما باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند تا برای فصل‌های بعد انتخاب شوند؟

روستاهای منتخب باید برخی ظرفیت‌ها و جذابیت‌های ذاتی را داشته باشند. البته ما با شناخت آن روستاها دوست داریم جدا از ظرفیت‌هایی که آن روستا دارد، چیزهایی به آن منطقه اضافه کنیم که خرد در مصرف باشد. آن نوع از بومگردی که نسبت به دارایی‌های فرهنگی واجتماعی خودش بی‌توجه باشد که ما سعی می‌کنیم در برنامه آن را مورد توجه قرار دهیم. به صورت کلی درباره روستاها به دو نکته توجه داریم؛ یکی داشته‌های فعلی آن‌ها و دوم ظرفیت‌های آن روستا. برای انتخاب افراد هم باید بگویم ما آدم‌هایی را انتخاب می‌کنیم که تجربه زندگی روستایی را به شکل جدی نداشته‌اند ولی دوست دارند آن را تجربه کنند و خودشان فکر می‌کنند می‌توانند از پس کار برآیند. همچنین سعی می‌کنیم گروه‌های انتخابی از قشرهای مختلف و رنگارنگ و متنوع شوند و بتوانند مخاطبان بیشتری را جذب برنامه کنند.

♦ به نظر می‌رسد ما در مستندها و برنامه‌های محیط‌زیستی به یک نوع تکرار در بیان مسائل رسیدیم. به نظر شما تنوع بخشیدن به این نوع از مستندها و تولید کارهایی مثل بومگرد چقدر احساس نیاز می‌شود؟

بدون شک در این حوزه تنوع لازم است، ما باید به این مسائل از دریچه‌های مختلف نگاه کنیم. من به عنوان یک تولیدکننده وقتی می‌خواهم چنین کاری را انجام بدهم، همه فکر و دغدغه‌ام این است که بشنوم چقدر جدا از کارهای انجام شده، چه کاری را می‌توانم پیاده کنم و چه مسیری طی شده چیزی اضافه کنم؟ یعنی دوست دارم از زاویه جدیدی به مسئله بپردازم. حتی درباره خود بومگرد هم دوست

دارم فصل بعدی را با فرم بهتر و با نگاه جذاب‌تر و حرف‌های جدیدتری بسازم.

♦ بومگرد از همان تیتراژ اولیه تا نریشن و آیت‌های مسابقه، جذاب است. برای این جذابیت چه برنامه‌ای داشتید؟

ما با آقای منیری، از طراحی و ایده‌پردازی و تا تدوین نهایی، حدود دو سال درگیر این برنامه بودیم. در جزئیات محتوایی و فرمی، مثل اصلاح رنگ و نور تا موسیقی و دیگر جزئیات، سعی کردیم بیشترین دقت را به خرج بدهیم. مثلاً موسیقی ابتدایی برنامه را از یک نوای محلی گرفتیم و در همه جزئیات برنامه دقت کردیم تا به بهترین کیفیت برسیم. کار برای ما حیثیتی بود و سعی کردیم چیزی کم نگذاریم. فکر می‌کنم جذابیت مسابقه را مرهون همین دقت‌ها و وسنجگری‌ها هستیم.

♦ چون برنامه در شمال کشور تولید شده است، این پرسش را می‌پرسم. آیا در بومگرد به بحران آشغال در شهرهای شمالی که عامل بروز مسائل آزادرونده و پیچیدهای شده است هم پرداختید؟

در بومگرد اگر طرح این بحث و دیگر مسائل محیط زیستی در مسیر تولید مستند و آیت‌های آن بود، آن‌ها را مطرح می‌کردیم، ولی اگر احساس می‌کردیم بیسان آن‌ها به نوعی از کار بی‌سرون می‌زند، این کار را نمی‌کردیم. در واقع خودم‌ان را ملزم به مطرح کردن همه مسائل محیط زیستی نمی‌دانستیم، بعضی نکات مثل استفاده نکردن از پلاستیک در خلال مسابقه ناخودآگاه مطرح می‌شود، ولی اینکه همه مسائل محیط زیستی را مطرح کنیم، رسالت مستندمسابقه «بومگرد» فرهنگ‌سازی ایجابی است، نه سلبی. طوری که وقتی مخاطب برنامه را می‌بیند بگوید چقدر خوب که فلان گروه در این قسمت پلاستیک نگرفتند. ما بیشتر با ناخودآگاه مخاطب کار داشتیم.

♦ تا حالا چند قسمت از بومگرد پخش شده است؟ از شرایط پخش این راضی هستید؟

پنج قسمت پخش شده و ۶ قسمت دیگر مانده است. درباره شرایط پخش هم ما از شبکه مستند به خاطر حمایتش از برنامه خیلی راضی هستیم، ولی به نظر من این حمایت می‌تواند بیشتر باشد و بومگرد از شبکه‌های مختلف مثل شبکه نسیم و تماشا و ... بازپخش شود تا تماشاگر بیشتری جذب شود، چون بومگرد طوری است که اگر مخاطب آن را برای بار دوم و سوم هم ببیند، جذابیتش را از دست نمی‌دهد. به همین دلیل قابلیت پخش در دیگر شبکه‌ها را هم دارد تا به این شکل بتواند با مخاطب گسترده‌تری ارتباط بگیرد.

♦ در پایان می‌خواهم بدانم بازخوردها تا به حال چگونه بوده‌است. آیا اطلاع دقیقی دارید؟ خود من نباید به این پرسش جواب بدهم، چون ممکن است بگویند هیچ ماست‌فروشی نمی‌گویی ماست من ترش است! ولی تا به حال عموم واکنش‌هایی که از مخاطب تا پخش‌کنند، تا خود شرکت‌کننده‌ها گرفتام، خوب بوده است و هیچ واکنش منفی نداشته‌اند. ولی نظر من ملاک درستی نیست. قرار است به زودی ۲هزار نفر از کسانی که چه به عنوان شرکت‌کننده و چه مخاطب بر گیر این پروژه بوده‌اند، نظرسنجی شود. پس از این نظرسنجی بهتر می‌توان درباره میزان رضایت مخاطبان صحبت کرد.

تلویزیون از برنامه‌های جدید هم خوب نیست. بسیاری از سریال‌های در دست ساخت، مناسبتی هستند و برای پخش در ماه‌های محرم و صفر آماده می‌شوند. ضمن اینکه در این شرایط تنها امید و سرگرمی مردم، برنامه‌ها و سریال‌های تلویزیون است.

علی‌اکبری درباره رعایت پروتکل‌های بهداشتی حین انجام کار توضیح می‌دهد: تا آنجا که من اطلاع دارم و در چند پروژه تلویزیونی دیدم، تمام موارد بهداشتی رعایت می‌شود از قبیل ماسک زدن، تب‌سنجی افراد و ضدعفونی با الکل و حتی تیم‌های پزشکی هم سر صحنه مستقر هستند که اگر موردی پیش آمده فوراً بررسی کنند.

وی در پاسخ به اینکه کار با عوامل صحنه به کرونا مبتلا باشد، کار به مدت دو هفته تعطیل خواهد شد، می‌گوید: اگر شیوع بیش از دو نفر باشد، پروژه به مدت دو هفته تعطیل می‌شود و همه عوامل چکاپ می‌شوند و تست کرونا می‌دهند، ولی اگر در حد یک نفر باشد، فقط همان شخص از صحنه خارج می‌شود، ولی بازگیر باشد صحنه‌های دیگر را فیلم‌برداری می‌کنند تا دو هفته قرنطینه او تمام شود.

♦ پروژه‌های سینمایی موقتاً تعطیل شود

این تهیه‌کننده سینما و تلویزیون خاطرنشان می‌کند: تمام عوامل پشت‌صحنه ماسک دارند به جز بازیگران که جلو دوربین ماسکشان را برمی‌دارند. مدیریت سیمافیلم هم تأکید زیادی بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی دارد و پیگیر ماجراست. ضمن اینکه جان هنرمندان عزیز است و خودشان هم بسیار رعایت می‌کنند. وی اضافه می‌کند: منطقی این است که در این شرایط سریالی نسازیم، ولی نمی‌توانیم آتنن خالی داشته باشیم به ویژه در شرایط‌های مناسبتی که باید به سرانجام برسد. تا آنجا که اطلاع دارم سریال جدیدی در سازمان صدا و سیما شروع نشده و اولویت با اتمام سریال‌های نیمه‌تمام است. علی‌اکبری تأکید می‌کند: ساخت فیلم‌های سینمایی باید تعطیل شود، چون با تعطیلی موقت و عقب افتادن ساخت آن‌ها، اتفاق خاصی نمی‌افتد. ضمن اینکه اکنون هم بسیاری از سالن‌های سینمایی تعطیل هستند و تولیدات سال‌های گذشته هم در صف اکران قرار دارند. تولید فیلم‌های سینمایی می‌تواند مدتی تعطیل شود تا از وضعیت قرمز و تاریخی شیوع بیماری کرونا خارج شویم. وی درباره حمایت مالی از فیلم‌سازی که بیکار شده‌اند، یادآور می‌شود: تا جایی که من اطلاع دارم برای سینماگران بودجه نسبتاً خوبی از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمین شده و در اختیار صندوق اعتباری هنر قرار گرفته است. این صندوق هم با توجه به شرایط هنرمندان، مبالغی را برای تأمین نیازهای اولیه توزیع می‌کند. امیدواریم این مبالغ بیشتر باشد و هنرمندان از تنگنای اقتصادی خارج شوند، ولی مطلع هستم بودجه خوبی به صندوق اعتباری هنر تخصیص یافته است.